

# کتابخانه‌ها و پایگانی‌ها

**هومن فرجام:** در جهان معاصر، کتابخانه‌ها بدون شک نمادی از فرهنگ و فضل و کمال هستند و همچنین مکان‌هایی برای یادگیری و سرگرمی ادیبانه. این مقام به چندین پیش‌فرض وابسته است:

**نخست آنکه،** جدای از پیشرفت کتابخانه‌های دیجیتال و پایگاه‌های داده، کتاب‌های چاپی و ژورنال‌ها کماکان بهترین رسانه و پایگانی دانش هستند، حال این دانش در هر رشته‌ای که می‌خواهد باشد.

**دوم آنکه** شمار [کتاب‌های](#) موجود در بازار از توانایی خواندن و خرید هر فرد بیشتر است و این روند از دوره رنسانس آغاز شده است. بنابراین انتخاب بخشی از این حجم بالای کتاب و اندوختنشان در مکان‌هایی چون کتابخانه‌ها کاملاً منطقی به نظر می‌رسد، مکان‌هایی که منبعی هستند مشترک برای اجتماعی از کاربران که کم‌وبیش می‌توان تعریفشان کرد. می‌توان از کتابخانه‌های عمومی کتاب قرض گرفت، بی‌آنکه آنها را به تملک خویش درآورد.

**سوم** اینکه کتابخانه‌ها آرشیوی هستند از کتبی قدیمی و کهن که مفید و ارزشمند تلقی می‌شوند، چه به سبب ارزش تاریخی‌شان و دانشی که به نسل‌های بعدی انتقال می‌دهند و چه به سبب معنا و دلالتشان. کتابخانه‌ها را، به سبب تشکیلات معمارانه‌شان، چیدمان داخلی و دارایی‌هایشان، می‌توان تجسم مادی شکلی معین از حافظه فرهنگی و انتقال دانش در نظر گرفت. کتب کهن لزوماً منسوخ نیستند، آنان قدم‌هایی هستند در تبارشناسی خرد و هنوز می‌توانند در فرایند آموزش نقشی فعالانه ایفا کنند.

**چهارم** آنکه مجموعه کتاب‌های کتابخانه‌ها بازتاب‌دهنده ایده و تشکیلاتی کلی درباره دانش، حافظه و فرهنگ، چه جهانی و چه دایرةالمعارفی، است. این مجموعه‌ها در عین حال ممکن است گزیده‌ای از یک رشته یا ژانر ادبی مشخص باشند. در نهایت، با وجود تفاوت در مقیاس و اهداف، یک کتابخانه ملی، یک [کتابخانه دانشگاهی](#) یا عمومی و یک کتابخانه خصوصی در برخی ویژگی‌ها با یکدیگر مشترک‌اند؛ مانند اتاق‌ها یا لاقلمیلان و قفسه‌هایی که کتاب‌ها، بنا به شکل‌های گوناگون نظم و ترتیب، در آن نگهداری می‌شوند و از این طریق حفظ می‌شوند و در نهایت به دست خواننده خود می‌رسند. هنگام بررسی تاریخ کتابخانه‌ها - چه در غرب و چه در دیگر قلمروهای فرهنگی -

آشنایی ما با این مؤسسات و سازکارشان می‌تواند به نابهنجاری تاریخی بینجامد. این امر خود می‌تواند ما را به انگشت گذاردن بر وجوه فنی، مانند معماری، فهرست‌نویسی، جمع‌آوری کتاب، کارکنان و خوانندگان بکشاند، بی‌آنکه ویژگی‌های فرهنگی و یکتای هر کتابخانه را در نظر بگیریم و همچنین به ماهیت بالقوه متفاوت، هدف و وضعیتشان در جوامع گذشته توجه کنیم. مدارک چندپاره و گاه بی‌ربطی که برای تحقیق و بررسی باید بر آن تکیه کنیم، پاسخ دادن به بسیاری پرسشها درباره تشکیلات کتابخانه‌های باستان را غیرممکن می‌کند. این پرسشها ممکن است به شیوه نظم و ترتیب دادن به کتابها، میزان دسترسی مخاطب به آنها و همچنین حدودی که برای یک کاربر در استفاده از کتاب در نظر گرفته می‌شد- مانند قابلیت خواندن یا نسخه‌برداری از کل متن یا بحث و بررسی درباره آن با دیگران- پردازد و برای هر یک جوابی دست‌وپا کند.